



The Concept of “God’s Wrath” in the Holy Qur’an: A Critical Analysis of the Most Important Interpretive Views of Sunni and Shi’i Commentators

Kavoos Roohi Barandagh ¹ , Fatemeh Seyfalie ² 

1. Corresponding Author, Associate Professor of Tarbiat Modares University, Department of Quranic and Hadith Sciences, Tehran, Iran. Email: k.roohi@modares.ac.ir.
2. Assistant Professor of Qur’anic and Hadith Sciences, Faculty of Theology and Islamic Studies, Ilam, Iran. Email: seyfalie@yahoo.com

Article Info

ABSTRACT

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 23 May 2025

Revised: 5 August 2025

Accepted: 8 January 2026

Published: 4 February 2026

Keywords:

concept of God’s wrath; divine reported attributes; God’s wrath; Qur’anic exegesis; Sunni and Shi’i commentators.

Reported attributes are among the most challenging issues in Islamic theology and kalām. They have consistently attracted the attention of Qur’anic exegetes and Muslim theologians and have occupied extensive discussions in theological and exegetical works. The present study aims to clarify the concept of the reported attribute of “wrath” (ghaḍab) and to distinguish it from its human meaning. Using an analytical-comparative method, it examines the concept of “wrath” in Qur’anic verses. An investigation of the term ghaḍab in lexical sources, an analysis of Qur’anic verses containing this term, and a critical review of the views of the most prominent exegetes of both Islamic traditions—from al-Ṭabarī to Ayatollah Javadi Amoli—across various theological schools indicate that most commentators interpret “wrath” as divine will and the sending down of affliction, punishment, retribution, displeasure, torment, vengeance, harm, and the infliction of what is detested. Other meanings accepted by exegetes include humiliation in this world and the Hereafter, divine curse, deserving banishment and distance from God’s mercy, deprivation of divine favor, overpowering force, and veiling. However, the most comprehensive view—one that encompasses all other interpretations and conveys a meaning befitting God’s majesty, justice, and perfect wisdom—is “God’s active subjugation”; that is, the manifestation of His wise will in confronting corruption and sin. This meaning is applicable to the sixteen Qur’anic verses that refer to God’s wrath and allows each instance to be interpreted in accordance with its context and the gravity of the sinner’s offense. Furthermore, a precise examination of the verses reveals that God’s wrath is neither initial nor directed merely at personal sins; rather, it is always retributive and manifests in response to morally reprehensible acts that have social consequences.

Cite this article: Roohi Barandagh, K; Seyfalie, F (2026). The Concept of “God’s Wrath” in the Holy Qur’an: A Critical Analysis of the Most Important Interpretive Views of Sunni and Shi’i Commentators. *Theology Studies*, 8(4), 75-92. <http://dx.doi.org/10.22034/kalam.2025.1436.1173>



© The Author(s) retain the copyright.

Publisher: Noor-al-Zahra Higher Education Institute.

DOI: <http://dx.doi.org/10.22034/kalam.2025.1436.1173>



مفهوم «خشم خدا» در قرآن کریم؛ تحلیل انتقادی مهم‌ترین دیدگاه‌های تفسیری فریقین

کاوس روحی برندق^۱، فاطمه سیفعلی نئی^۲

۱. نویسنده مسئول. دانشیار دانشگاه تربیت مدرس، گروه علوم قرآن و حدیث، تهران، ایران. رایانامه: k.rooхи@modares.ac.ir

۲. استادیار علوم قرآن و حدیث الهیات و معارف اسلامی، ایلام، ایران. رایانامه: seyfalie@yahoo.com

چکیده

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تاریخچه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۳/۲

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۵/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۱۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۱/۱۵

کلیدواژه‌ها:

مفهوم خشم خدا؛ صفات خبری خداوند؛ خشم خدا؛ تفسیر قرآن؛ مفسران فریقین.

صفات خبری یکی از مسائل چالش برانگیز در کلام و الهیات اسلامی است که همواره مورد توجه مفسران و اندیشمندان مسلمان بوده و بحث‌های مفصلی را در کتاب‌های کلامی و تفسیری به خود اختصاص داده است. پژوهش حاضر با هدف شناخت مفهوم صفت خبری «غضب» و تبیین تفاوت آن با معنای انسانی خشم، با روش تحلیلی - تطبیقی، به بررسی مفهوم «غضب» در آیات قرآن کریم پرداخته است. بررسی واژه «غضب» نزد واژه‌پژوهان، تحلیل آیات مشتمل بر این واژه در قرآن کریم و واکاوی دیدگاه مهم‌ترین مفسران تحلیلی فریقین، از طبری تا جوادی آملی، در میان فرقه‌های مختلف کلامی، بیانگر آن است که «غضب» نزد اغلب مفسران به معنای اراده و انزال بلا، عقوبت، نکت، سخط، عذاب، انتقام، اضرار و اصابت مکروه دانسته شده است. ذلت در دنیا و آخرت، لعنت و استحقاق طرد و دوری از رحمت، محرومیت از عنایت، قهر و حجب نیز از دیگر معانی مقبولی است که مفسران مطرح کرده‌اند. با این حال، دیدگاه جامع و فراگیر که همه دیدگاه‌های دیگر را پوشش می‌دهد و گویای معنایی متناسب با جایگاه کبریایی خداوند و عدل و حکمت بی‌نظیر اوست، «قهر فعلی خداوند» است؛ یعنی تجلی اراده حکیمانه او برای مقابله با فساد و گناه. این معنا بر آیات شانزده‌گانه غضب خداوند در قرآن کریم قابل انطباق است و می‌توان بر اساس آن، همه آیات غضب را متناسب با سیاق آیه و بزرگی گناه فاعل معنا نمود. همچنین، بر اساس بررسی دقیق آیات، غضب خداوند ابتدایی و در برابر گناهان فردی نیست، بلکه همواره جزایی و در برابر اعمال قبیحی است که تأثیر اجتماعی دارند.

استناد: روحی برندق، کاوس؛ سیفعلی نئی، فاطمه (۱۴۰۴). مفهوم «خشم خدا» در قرآن کریم؛ تحلیل انتقادی مهم‌ترین دیدگاه‌های تفسیری فریقین. *کلام پژوهی*.

<http://dx.doi.org/10.22034/kalam.2025.1436.1173>

۸ (۴)، ۷۵-۹۲



© نویسندگان.

DOI: <http://dx.doi.org/10.22034/kalam.2025.1436.1173>

ناشر: مؤسسه آموزش عالی نورالزهرا (س) زنجان.

مقدمه

شناخت صفات خداوند، به‌ویژه صفات خبری که مفهوم ظاهری آن‌ها صفات انسانی و جسمانی را به ذهن متبادر می‌کند، همواره یکی از مباحث مهم و چالش‌برانگیز در حوزه الهیات و کلام اسلامی بوده است. صفات خبری که در آیات قرآن به خداوند نسبت داده شده‌اند، در نگاه ابتدایی، نوعی شبهه جسمانیت را در ذهن تداعی می‌کنند؛ حال آنکه خدای متعال از آن منزّه است. یکی از این موارد، «صفت غضب» است که با مشتقات آن، ۲۲ بار در قرآن کریم آمده است. از این موارد، ۱۶ بار به نوعی به خداوند سبحان نسبت داده شده است. این انتساب، شبهات، پرسش‌ها و چالش‌هایی را در حوزه تفسیر و کلام اسلامی ایجاد کرده است؛ زیرا غضب، آن‌گونه که در مورد انسان شناخته می‌شود، حالتی نفسانی است که نفس آدمی از آن متأثر شده و به انتقام تحریک می‌گردد (مجلسی، ۱۴۰۴: ۲۳۴/۲). از نشانه‌های آن، به هیجان درآمدن خون، سرخ شدن چشم‌ها و متورم شدن رگ‌های گردن است. روشن است که خداوند از چنین ویژگی‌هایی منزّه است؛ چراکه چنین اموری مستلزم تغییر در ذات خداوند است و خداوند از هرگونه تغییر و تحول مبرا است.

ازاین‌رو، فهم درست معنای «غضب» در مورد خداوند نیازمند تحلیل و بررسی دقیق است. پرسش‌های اصلی این پژوهش عبارت‌اند از: چه تفاوتی میان خشم خداوند و خشم انسان وجود دارد؟ مفسران چگونه این صفت را تفسیر کرده‌اند؟ و نهایتاً «غضب» در آیات قرآن کریم به چه معناست؟

پژوهش حاضر با روش تحلیلی - تطبیقی - انتقادی به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش‌هاست تا بتواند کارکرد معنایی واژه «غضب» را به عنوان یکی از صفات خداوند روشن سازد. بدین منظور، با مراجعه به مهم‌ترین کتاب‌های لغت و نیز مهم‌ترین تفاسیر فریقین، از آغاز تا دوره معاصر، و با تحلیل و بررسی دیدگاه‌های آنان، تلاش شده است پاسخی منطقی به این پرسش‌ها ارائه شود. تفاسیری که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته‌اند، از یک سو تحلیلی‌ترین تفاسیر قرآن کریم و از سوی دیگر، نماینده عمده‌ترین فرقه‌های کلامی اسلامی‌اند. این تفاسیر عبارت‌اند از: جامع البیان فی تفسیر القرآن طبری، التبیان طوسی، الکشاف زمخشری، مجمع البیان طبرسی، مفاتیح الغیب فخر رازی، الجامع لأحكام القرآن قرطبی، أنوار التنزیل و أسرار التأویل بیضاوی، التحریر و التنویر ابن عاشور، محاسن التأویل قاسمی، المنار عبده و رشیدرضا، تفسیر مراغی، فی ظلال القرآن سید قطب، المیزان فی تفسیر القرآن طباطبائی، من وحی القرآن سید محمدحسین فضل‌الله و تسنیم جوادی آملی.

متکلمان مسلمان، به‌ویژه در مکاتب اشعری، معتزلی و شیعی، هر یک رویکرد خاصی نسبت به صفات خبری، از جمله «غضب الهی»، داشته‌اند. برخی این صفات را بدون تأویل پذیرفته و به نوعی اثبات‌گرایی بی‌چون‌وچرا روی آورده‌اند؛ در حالی که گروهی دیگر کوشیده‌اند با تأویل و تحلیل عقلی، این صفات را با اصل تنزیه خداوند هماهنگ سازند. در حوزه تفسیر نیز مفسران دیدگاه‌های متفاوتی در تبیین معنای «غضب» ارائه کرده‌اند.

در حوزه پژوهش‌های علمی، مقالاتی که بیشترین ارتباط موضوعی را با مقاله حاضر دارند، عبارت‌اند از:

نریمانی، زهره؛ چهری، مجید؛ اقبالی، مسعود (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «بازشناسی معنایی واژگان «غیظ»، «غضب» و «سخط» در قرآن کریم با رویکرد تفسیری» به این نتیجه رسیده‌اند که واژه «غضب» مختص خداوند است و گاه جلوه‌ای از احساسات انبیا و مؤمنان را نیز نشان می‌دهد؛ در حالی که «سخط»، اوج ناخشنودی خداوند از بندگان است که جلوه آن صرفاً در برخورد با منافقان بیان شده است.

شریفی مقدم، آزاده؛ حبیبی، فاطمه؛ اسحاقی، مهدیه (۱۳۹۹) نیز در پژوهشی با عنوان «تحلیل شناختی از مفهوم سازی خشم الهی در حوزه دنیا در قرآن کریم» به این نتیجه رسیده اند که الگوی خشم خداوند با سناریوی خشم انسانی تفاوت دارد و مشتمل بر سه مرحله پیش و هدایت، هشدار و اخطار، و در نهایت عذاب است.

با توجه به پژوهش های انجام شده، به نظر می رسد بررسی دقیق و منسجم واژه «غضب» در بافت قرآنی، با رویکرد مفهوم شناختی و به ویژه با تمرکز بر معنای قرآنی آن و تحلیل جایگاهش در منظومه صفات الهی، همچنان جای بحث دارد؛ زیرا تاکنون تحقیق جامعی که خشم خدا را در همه مصادیق بررسی کند، دیدگاه های مختلف را ارزیابی نماید و دیدگاهی جامع ارائه دهد، نگاشته نشده است. این خلأ، ضرورت تحقیق حاضر را آشکار می سازد. این پژوهش به دنبال برطرف کردن چالش معنای «غضب» و تبیین معنای آن در مورد خداوند است و تلاش می کند دیدگاهی نوآورانه و جامع عرضه کند که بتواند همه آیات مرتبط را پوشش دهد و پاسخی برای چالش صفات خبری در مورد خداوند باشد.

مفهوم شناسی ریشه و واژه «غضب»

از نظر واژه پژوهان، ریشه «غین، ضاد و باء» بر شدت و قوت دلالت دارد (ابن فارس، ۱۳۹۹: ۴/۴۸۸). از نظر مصطفوی، اصل واحد در این ماده، شدت و سخت گیری است. از این مفهوم، «غضب» نیز گرفته می شود که به معنای حرکتی درونی به سوی تندى و شدت در برابر چیزی دیگر است. نقطه مقابل آن، «حلم» است که به عقلانیت و آرامش اشاره دارد. در غضب، تعادل نفس در تعقل و آرامش از بین می رود و نفس به سوی شدت، تندى و شعله ور شدن سوق پیدا می کند (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۷/۲۲۴).

در مفردات، «غضب» به معنای فوران خون دل به قصد انتقام آمده است (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ۳۶۱). در المعجم الاشتقاقی، غضب در برابر «رضا» و به معنای پر شدن نفس از تندى و سختی به دلیل امری خاص دانسته شده است (جبل، ۲۰۱۰: ۳/۲۱۷). از نظر عسکری، «غضب» نوعی احساس شدید عصبانیت و اراده آسیب رساندن به فرد دیگر است (عسکری، ۱۴۱۲: ۱/۱۸۳) و تنها زمانی مطرح می شود که فرد بخواهد به دیگری آسیب بزند یا او را مجازات کند (عسکری، ۱۴۱۲: ۱/۲۹۲). به همین دلیل، غضب نمی تواند نسبت به خود فرد باشد؛ زیرا غضب به معنای خواستن آسیب رساندن به کسی است که بر او غضب شده است و انسان نمی تواند عمداً به خود آسیب بزند (عسکری، ۱۴۱۲: ۱/۳۹۲). غضب، واکنشی فوری و هیجانی است که ممکن است به طور ناگهانی پدید آید و بدون هدف قبلی یا توطین نفس برای انتقام یا مجازات رخ دهد. این حالت معمولاً بدون توطئه و از سر عصبانیت به وجود می آید و اگر فرد در حالت غضب باشد، احتمالاً خواسته ای سنجیده برای تغییر رفتار یا مجازات کسی ندارد (عسکری، ۱۴۱۲: ۱/۳۸۶).

از بررسی کتاب های لغت به دست می آید که ریشه «غ ض ب» بر شدت، قوت و سخت گیری دلالت دارد. غضب نیز که از این ریشه است، واکنشی فوری و هیجانی است که به طور ناگهانی و بدون هدف قبلی یا توطین نفس برای انتقام یا مجازات رخ می دهد. غضب حالتی درونی است که در آن تعادل نفس در تعقل و آرامش از بین می رود و نفس به سوی شدت، تندى، شعله ور شدن و در نهایت انتقام از دیگری سوق پیدا می کند. از این رو، غضب در انسان نوعی احساس شدید عصبانیت و اراده آسیب رساندن به فرد دیگر است که با عصبانیت و آزار رساندن ارتباط دارد.

کاربرد واژه «غضب» در قرآن کریم

برای ورود به بحث، لازم است مواردی که در قرآن کریم «غضب» به خداوند نسبت داده شده است، بررسی و تحلیل شود.

جدول شماره ۱. آیات غضب در قرآن کریم

ردیف	شماره آیه	متن آیه	غضب کننده	غضب شده	همنشین	دلیل
۱	حمد، ۷	صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ	خدا	دسته‌ای از بندگان	ضالین	
۲	البقرة ۶۱	وَإِذْ قُلْتُمْ يَمُوسَى لَنْ نَصْبِرَ عَلَى طَعَامٍ وَحِدٍ فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُثْبِتُ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَقِثَّائِهَا وَفُومِهَا وَعَدَسِهَا وَبَصِلِهَا قَالَ أَتَسْتَبْدِلُونَ الَّذِي هُوَ أَدْنَى بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ أَهْطُوا مِصْرًا فَإِنَّ لَكُمْ مَّا سَأَلْتُمْ وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيَّ بْنَ بَعِثَ الْحَقُّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ	خدا	قوم موسی	وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ	کفر به آیات خدا، قتل پیامبران به غیر حق، عصیان، اعتداء
۳	البقرة ۹۰	بِسْمَا أَشْتَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ أَنْ يَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ بَغْيًا أَنْ يَنْزِلَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ فَبَاءُوا بِغَضَبٍ عَلَى غَضَبٍ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُهِينٌ	خدا	اقوام انبیای پیشین		کفر به ما انزل الله از روی بغی
۴	آل عمران ۱۱۲	ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلَّةُ أَيْنَ مَا تُثْبِتُوا إِلَّا بِحَبْلٍ مِنَ اللَّهِ وَحَبْلٍ مِنَ النَّاسِ وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الْمَسْكَنَةُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ	خدا	فاسقان از اهل کتاب	وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الْمَسْكَنَةُ	کفر به آیات خدا، قتل پیامبران به غیر حق، عصیان، اعتداء
۵	النساء ۹۳	وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا	خدا	قاتل نفس مومن به عمد	وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا	قتل مومن متعمدا
۶	المائدة ۶۰	قُلْ هَلْ أُنَبِّئُكُمْ بِشَرٍّ مِنْ ذَلِكَ مَثُوبَةً عِنْدَ اللَّهِ مَنْ لَعَنَهُ اللَّهُ وَغَضِبَ عَلَيْهِ وَجَعَلَ مِنْهُمْ الْفِرْدَةَ وَالْخَنَازِيرَ وَعَبَدَ الطَّاغُوتِ أُولَئِكَ شَرٌّ مَكَانًا وَأَضَلُّ عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ	خدا	فاسقان از اهل کتاب	لَعَنَهُ اللَّهُ	کفر، سرعت در اثم و عدوان، اکل سحت
۷	الأعراف ۷۱	قَالَ قَدْ وَقَعَ عَلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ رَجْسٌ وَغَضَبٌ أَتَجِدَلُونَنِي فِي أَسْمَاءِ سَمِيئَتُوهَا أَنْتُمْ وَءَابَاؤُكُمْ مَا نَزَّلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَنٍ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ	خدا	تکذیب کنندگان آیات خدا	رَجَسٌ	پیروی از آباء، تکذیب آیات خدا

۸	الأعراف ۱۵۲	إِنَّ الَّذِينَ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ سَيَأْتِيهِمْ غَضَبٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَذِلَّةٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُفْتَرِينَ	خدا	قوم موسی	وَذِلَّةٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا	اتخاذ عجل
۹	الأنفال ۱۶	وَمَن يُؤْلَمْ يَوْمَئِذٍ دُبُرُهُ إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِّقِتَالٍ أَوْ مُتَحَيِّرًا إِلَىٰ فِتْنَةٍ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ وَمَا وُفِيَ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ	خدا	پشت کنندگان به دشمن کافر	وَمَا وُفِيَ جَهَنَّمَ	
۱۰	النحل ۱۰۶	مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِن بَعْدِ إِيْمَانِهِ إِلَّا مَنْ أَكْرَهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيْمَانِ وَلَكِنْ مَنْ شَرَحَ بِالْكُفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِّنَ اللَّهِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ	خدا	من شرح بالكفر صدرا	وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ	شرح صدر با کفر
۱۱ و ۱۲	طه ۸۱	كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَلَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي وَمَن يَحِلَّ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَىٰ	خدا	طاغیان	وَمَن يَحِلَّ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَىٰ	طاغیان
۱۳	الشوری ۱۶	وَالَّذِينَ يُحَاجُّونَ فِي اللَّهِ مِمَّا بَعْدَ مَا اسْتَجِيبَ لَهُ حُجَّتُهُمْ دَاحِضَةٌ عِندَ رَبِّهِمْ وَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ	خدا	محاجه کنندگان درباره خدا بعد از ایمان	عَذَابٌ شَدِيدٌ	محاجه درباره خدا بعد از ایمان
۱۴	الفتح ۶	وَيُعَذِّبُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءَ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا	خدا	منافقان، مشرکان، ظالمن بالله ظن السوء	وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا	نفاق، شرک، ظن سوء به خدا
۱۵	المجادلة ۱۴	أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ تَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَا هُم مِّنكُمْ وَلَا مِنْهُمْ وَيَحْلِفُونَ عَلَى الْكَذِبِ وَهُمْ يَعْلَمُونَ	خدا	مولیان ما غضب الله عليهم		تولی ما غضب الله عليهم
۱۶	المتحنه ۱۳	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَئِسُوا مِنَ الْآخِرَةِ كَمَا يَئِسَ الْكُفَّارُ مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُورِ	خدا	قوم مغضوب	قَدْ يَئِسُوا مِنَ الْآخِرَةِ	

از آیات به دست می آید که از مجموع شانزده آیه مربوط به غضب خداوند در قرآن کریم، خشم خداوند در پنج مورد شامل قوم موسی، و در بقیه موارد شامل اقوام کافر انبیای پیشین، فاسقان اهل کتاب، تکذیب کنندگان آیات خدا، قاتلان نفس مؤمن به عمد، پشت کنندگان به دشمن کافر، طاغیان، محاجه کنندگان درباره خدا پس از ایمان، منافقان، مشرکان، بدگمانان به خداوند و کسانی که با مغضوبان الهی رابطه ولایی برقرار کرده اند، می شود.

ذلت و مسکنت، عذاب عظیم، لعنت، رجس، ذلت در حیات دنیا، جهنم، عذاب شدید و یأس از آخرت، از واژگان همنشین غضب در آیات مربوطه هستند. علت غضب نیز در این آیات، اموری چون کفر به آیات خدا، قتل پیامبران به غیر حق، عصیان، اعتدا، کفر به آنچه خدا نازل کرده از روی بغی، قتل عمدی مؤمن، سرعت در اثم و عدوان، اکل سحت، پیروی نابجا از پدران، تکذیب آیات خدا، اتخاذ گوساله، گشودن سینه به کفر، طغیان، خلف وعده موسی، محاجه درباره خدا پس از ایمان، نفاق، شرک، بدگمانی به خدا و تولی کسانی است که خدا بر آنان غضب کرده است. بررسی دقیق آیات نشان می‌دهد که غضب خداوند هرگز ابتدایی نیست و همواره جزایی است برای عملی ناپسند؛ آن هم نه صرفاً قبایح فردی، بلکه اعمال قبیحی که تأثیر اجتماعی دارند.

دیدگاه مفسران در معنای صفت خبری «غضب»

از آنجا که منبع اصلی فهم قرآن برای مخاطبان عام تفاسیر قرآنی است مهمترین تفاسیر تحلیلی فریقین از ابتدا تا دوران معاصر بررسی و تحلیل می‌شود.

۱. **اراده انزال عقوبت و عذاب و اضرار و اصابت مکروه:** طوسی در تفسیر آیه ۷ سوره حمد غضب را به اراده عقاب مستحق و لعن و برائت خدا از آنها تفسیر می‌کند (طوسی، بی‌تا: ۱/۴۶). و از قول گروهی دیگر می‌گوید: منظور از غضب، عقابی است که در آخرت به خاطر گناهانشان به آنها خواهد رسید (طوسی، بی‌تا: ۱/۲۷۹) همچنین در تفسیر آیه ۱۱۲ سوره آل عمران «وَبَاؤُوا بِغَضَبِ اللَّهِ» را: رجعوا بغضب الله الذی هو عقابه و لعنه (طوسی، بی‌تا: ۲/۵۶۲) تفسیر می‌نماید. از نظر طبرسی «غضب» اراده ضرر رساندن به مغضوب علیه است؛ اما زمانی که به خدای تعالی اضافه می‌شود مراد از آن اراده انزال عقوبت بر مغضوب علیه است (طبرسی، ۱۳۶۰: ۱/۲۵۴). از نظر طبرسی غضب از سوی خداوند به معنای اراده عذاب کسانی است که مستحق عذاب هستند (طبرسی، ۱۳۶۰: ۴/۶۷۴). در ذیل آیه ۶۰ سوره مائده «و غضبه علیه» را: اراد به العقوبة والاستخفاف به (طبرسی، ۳/۳۳۳) تفسیر می‌نماید. از دیدگاه زمخشری غضب اراده انتقام از نافرمانان، و نازل کردن عقوبت بر آنان است، و اینکه با آنان کاری کند که پادشاه وقتی بر زیردستانش خشم می‌گیرد انجام می‌دهد (زمخشری، ۱۴۰۷: ۱/۱۸). زمخشری در ذیل آیه ۷۱ سوره اعراف نهایت و غایت توصیف شده را به اراده انتقام تفسیر نموده است (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۳/۱۹). گویی غضب خدا را همانند غضب صاحبان قدرت دانسته که چون بر کسی خشم گیرند او را عقوبت کنند. فخررازی در تفسیر آیه ۶۱ سوره بقره به صراحت غضب را اراده انتقام تفسیر می‌کند: و أما غضب الله فهو إرادة الانتقام (فخررازی، ۱۴۲۰: ۳/۵۳۴). طباطبایی در تفسیر آیه: «فَيَحِلُّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي» می‌نویسد: خشم از صفات فعلی خداوند متعال است که مصداق آن، اراده خداوند برای رسیدن امر ناخوشایند به بنده، با فراهم آوردن اسباب آن به سبب معصیتی است که از او سر زده است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۴/۱۸۷).

ارزیابی: این دیدگاه که مرحله قبل از دیدگاه دوم است بیانگر اراده و خواست خدا برای انتقام از مجرمان و عذاب و عقوبت، اصابت مکروه و اضرار آنهاست. اما حمل غضب بر اراده خلاف لغت و خلاف عرف است. ضمن اینکه مشکلی را حل نمی‌کند. مگر اینکه اراده را از صفات فعل خدا بدانیم که در آن نیز انسان‌وارگی قابل تصور است.

پس این راهی برای برون رفت از چالش غضب نمی‌تواند باشد. از آنجا که خداوند برای عملی کردن خواست و اراده خود به فراهم کردن مقدمات و تجهیزات نیازی ندارد و اراده او برای تحقق امور کافیست: «إِنَّمَا قَوْلُنَا لِشَيْءٍ إِذَا أَرَدْنَاهُ أَنْ نَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (نحل، ۴۰)» به نظر می‌رسد که این دیدگاه می‌تواند با دیدگاه دوم قابل تلفیق باشد و تنها به دلیل مرحله‌ای بودن این دو از هم جدا شده‌اند. اراده عقوبت مرحله قبل از انزال عقوبت است.

۲. انزال بلا، عقوبت، نعمت، سخط، انتقام، عذاب و اضرار و اصابت مگروه: طبری این رأی را از قول برخی مفسران آورده و

می‌نویسد: مفسران در تفسیر غضب درباره خدا اختلاف کرده‌اند. برخی می‌گویند: غضب خداوند بر کسی به معنای فرود آوردن عذاب بر اوست، چه در دنیا و چه در آخرت (طبری، ۱۴۱۲: ۶۱/۱). هر چند طبری در تفسیر سوره حمد به بیان دیدگاه‌های سایر مفسران اکتفا نموده و از اظهار نظر خودداری می‌کند در تفسیر آیه ۷۱ سوره طه غضب را به عقاب تفسیر نموده و نظر خود را در مورد غضب خداوند این‌گونه بیان می‌کند: «فَيَحِلُّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي»: فینزل علیکم عقوبتی (طبری، ۱۴۱۲: ۱۶/۱۴۵). از منظر شیخ طوسی غضب مفهومی است که انگیزه انتقام را ایجاد می‌کند، مانند حالت طبیعی انسان در برابر نپذیرفتن شدید. مقابل آن رضا است که تمایل به بخشش دارد. غضب مانند سخط است. طوسی این قول را از زمانی نقل می‌کند. شیخ در تفسیر آیه: «بَاءَ غَضَبٍ مِنَ اللَّهِ» می‌گوید: «أَيُّ رَجْعٍ بِسَخَطِهِ تَعَالَى وَاسْتِحْقَاقِ عِقَابِهِ» (طوسی، بی‌تا: ۵/۹۲). شیخ در ذیل آیه ۹۰ سوره بقره از قول عده‌ای از مفسران می‌نویسد: غضب خدا در این آیه به معنای بلا و نعمتی است که در دنیا جایگزین رخاء و نعمت شده است (طوسی، بی‌تا: ۳/۲۹۵). طبرسی در تفسیر برخی آیات غضب را به معنای عقاب دانسته است (طبرسی، ۱۳۶۰: ۲/۸۱۴ و طبرسی، ۱۳۶۰: ۴/۷۴۳ و طبرسی، ۳۸/۷). بیضاوی «فَيَحِلُّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي» را «فیلز مکم عذابی» تفسیر نموده است (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۴/۳۵). فخررازی در ضمن تفسیر واژه «رجس» در آیه ۷۱ سوره اعراف می‌نویسد: منظور از غضب، عذاب است (فخررازی، ۱۴۲۰: ۱۴/۳۰۳ و فخررازی، ۱۴۲۰: ۲۰/۲۷۶). در این آیه فخررازی به صراحت غضب را به عذاب تفسیر نموده است. قرطبی در تفسیر آیه ۷ سوره حمد پس از تعریف لغوی واژه غضب می‌نویسد: معنای خشم در وصف خداوند متعال اراده عقوبت است، و آن صفت ذات است، و اراده خداوند متعال از صفات ذات اوست، یا خود عقوبت است، و از همین باب است حدیث: «إِنَّ الصَّدَقَةَ لَتُطْفِئَ غَضَبَ الرَّبِّ» و آن صفت فعل است (قرطبی، ۱۳۶۴: ۱/۱۵۰ و قرطبی، ۱۳۶۴: ۲/۲) همو در جای دیگر می‌نویسد: الغضب من الله العقوبة (قرطبی، ۱۳۶۴: ۷/۲۹۱). وی در تفسیر آیه ۸۶ سوره طه نعمت را هم به عقوبت اضافه نموده و غضب را به: «العقوبة و النعمة» تفسیر می‌نماید (قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۱/۲۳۴). از دیدگاه رشید رضا غضب خدا به لازم آن تفسیر می‌شود که همان عقاب است. وی همچنین موافقت استاد خود را در این معنا بیان می‌نماید و این نظر را منطبق با دیدگاه مذهب سلف می‌داند و می‌نویسد: غضب یکی از شئون خدای تعالی است که عقوبت و انتقامش بر آن مترتب می‌شود (رشیدرضا، ۱۴۱۴: ۱/۶۸). مراغی آیه ۱۲ سوره آل عمران را این‌گونه تفسیر می‌نماید: «أَيُّ وَصَارُوا مُسْتَحْقِينَ غَضَبِ اللَّهِ مُسْتَوْجِبِينَ سَخَطِهِ» (مراغی، بی‌تا: ۴/۳۳) یعنی مستحق خشم خدا و سزاوار سخط او شدند. انتقام یکی دیگر از معانی غضب در تفسیر مراغی است آنجا که در تفسیر آیه ۹۳

سوره نساء می‌نویسد: غضب الله علیه أي انتقم منه (مراغی، بی‌تا: ۵/۱۲۳)؛ وی در تفسیر آیه ۸۱ سوره طه احلال غضب را به معنای نزول آن و وجوب عقوبت دانسته و می‌نویسد: «وَلَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي» یعنی با ناسپاسی و تجاوز از حدودی که در آن برایتان قرار داده‌ام در روزی من زیاده‌روی نکنید. این کار را با اسراف، سرمستی و کمک گرفتن از آن برای گناهان و منع حقوق واجب در آن انجام ندهید، که در این صورت خشم من بر شما نازل می‌شود و مجازات من بر شما واجب می‌گردد (مراغی، بی‌تا: ۱۶/۱۳۶). قاسمی در تفسیر آیه ۷۱ سوره اعراف غضب را به معنای سخط دانسته است. سخطی که به دلیل شریک قرار دادن کسانی که در نهایت نقص قرار دارند با خدا شامل حال آنها شده است (قاسمی، ۱۴۱۸: ۵/۱۱۸). در تفسیر آیه ۱۳ سوره ممتحنه نیز «غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ» را مسخوطا علیهم لمعاداتهم الحق، و محاربتهم الصلاح، و عيبتهم بالفساد (قاسمی، ۱۴۱۸: ۹/۲۱۳) تفسیر نموده است. از نظر ابن عاشور خشم خداوند متعال اراده بدی برای بنده‌اش و عقوبت او در دنیا و آخرت یا در یکی از آن دو است (ابن عاشور، بی‌تا: ۸/۳۰۰). از دیدگاه وی خشم خداوند متعال به طور کلی باز می‌گردد به رفتار او با کسانی که از هدایت او روی گردانده و از اوامرش نافرمانی کرده‌اند و بر آن انتقام مترتب می‌شود و آن مراتبی دارد که بالاترین آن عذاب مشرکان و منافقان به جاودانگی در پایین‌ترین درجات آتش است و پایین‌تر از خشم، کراهت است (ابن عاشور، بی‌تا: ۱/۱۹۵). فضل‌الله در تفسیر آیه: «و بَاءَ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ» می‌نویسد: أي: حَلَّ مَبَوءًا و معه غضب الله، أي: عقوبته (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۶/۲۲۳). فضل‌الله این نظر را ذیل آیه ۷۱ سوره اعراف بیان می‌کند و می‌نویسد: أمّا الغضب، فهو سخط الله المستتب لعذاب النار (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۱۰/۱۶۷). در موارد دیگر نیز همین نظر را تکرار می‌نماید (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۱۰/۳۴۷ و فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۲۰/۱۶۳).

ارزیابی: این دیدگاه در ظاهر غضب را به حاصل غضب تفسیر نموده است و در ظاهر غضب به خدا نسبت داده شده است. چون از جهت عقلی و آیات دیگر (لیس کمثله شی) نسبت دادن غضب به خدا صحیح نیست. در این آیات بنابر مجاز مرسل که سبب ذکر می‌شود و مسبب اراده می‌شود غضب ذکر شده اما منظور آثار و نمود آن در عالم خارج است که همان عذاب و عقوبت و اتفاقاتی است که در بیرون ظهور پیدا می‌کند. تحلیل دقیق الهیاتی و هستی‌شناسانه این دیدگاه در دیدگاه دوازدهم خواهد آمد.

۳. **خشمی همانند خشم بندگان با کیفیتی متفاوت:** این نظر نیز در ضمن آراء مفسران در ذیل آیه ۷ سوره بقره بیان شده است. طبری می‌نویسد: برخی گفته‌اند خشم خداوند معنایی قابل فهم و درک دارد، همانند معنای خشمی که ما می‌شناسیم، با این تفاوت که هرچند از نظر اثبات صفات به آن معنا نزدیک است، ولی از نظر حقیقت و چگونگی، با خشم انسان‌ها تفاوت دارد؛ چراکه خشم انسان‌ها باعث ناراحتی، تحریک و آزار آن‌ها می‌شود، در حالی که ذات خداوند منزّه از هرگونه آسیب و دگرگونی است. خشم، یک صفت از صفات الهی است، مانند علم و قدرت، که اگرچه در اصل وجود داشتن با صفات بندگان شباهت دارد، ولی در حقیقت و کیفیت، با علم و قدرت بندگان که وابسته به دل و افعال آن‌هاست تفاوت دارد (طبری، ۱۴۱۲: ۱/۶۱).

ارزیابی: در این دیدگاه خشم، یکی از صفات الهی است که در اصل وجود با صفات بندگان شباهت دارد، ولی در حقیقت و کیفیت با آن تفاوت دارد. در حالی که خشم باعث ناراحتی، تحریک، و آزار انسان‌هاست، و خداوند منزّه از هرگونه آسیب و دگرگونی است. طبری به همین مقدار اکتفا نموده و هرچند اصل تفاوت را یادآور شده اما درباره کیفیت آن توضیح بیشتری نداده و معنای غضب به وضوح مشخص نشده است. این دیدگاه به دلیل قائل شدن به تشبیه مردود است زیرا فقط در نوع فعل به تفکیک قائل است که این خود نوعی تشبیه است.

۴. **نکوهش و سرزنش افراد و اعمالشان و بیان نارضایتی لفظی:** طبری این نظر را از قول گروهی از مفسران نقل می‌کند که بعضی می‌گویند خشم خداوند بر بندگان به معنای نکوهش و سرزنش آن‌ها و اعمالشان و بیان نارضایتی لفظی از آن‌ها است (طبری، ۱۴۱۲: ۶۱/۱).

ارزیابی: طبق این دیدگاه خشم خداوند در لفظ ظهور و بروز می‌یابد. اما مشخص نشده که این لفظ منظور آیات قرآن است یا در دنیا است و یا در آخرت! اگر منظور توبیخ مغضوب در آیات قرآن باشد قابل قبول است، اما اگر منظور کلام الهی در دنیا یا در آخرت باشد چالش جدیدی ایجاد می‌شود و آن کیفیت کلام الهی است. که نه تنها چالش حاضر را حل نمی‌کند بلکه چالش دیگری بدان می‌افزاید.

۵. **استخفاف، اهانت به مغضوب:** شیخ طوسی در برخی آیات بی‌احترامی و خوار و زبون شمردن را هم در معنای غضب داخل می‌نماید و می‌نویسد: و قد بینا ان غضب الله هو ارادة عقابه، و الاستخفاف به (طوسی، بی‌تا: ۲۹۵/۳). از نظر ابن عاشور حقیقت خشمی که در میان مردم شناخته شده، کیفیتی است که بر نفس عارض می‌شود و به دنبال آن حرکت روح به سوی بیرون و جوشش آن رخ می‌دهد و طلب انتقام می‌کند. پس آن کیفیت سبب طلب انتقام و طلب انتقام سبب حصول انتقام است. آنچه آشکار می‌شود این است که اراده انتقام از لوازم ماهیت خشم نیست به طوری که از آن جدا نشود، بلکه ممکن است از آثار آن باشد، و اینکه خشم کیفیتی برای نفس است که از حصول آنچه با آن سازگار نیست عارض می‌شود و بر آن کراهت از فعل مورد غضب و کراهت از فاعل آن مترتب می‌گردد، و ملازم آن روی گرداندن از کسی است که مورد غضب قرار گرفته و رفتار با او با خشونت و قطع احسان و آزار است و ممکن است این به طلب انتقام از او منجر شود. پس آنچه از معنای خشم صفت خداوند است، لازمه آن است، یعنی عقاب و اهانت در روز جزا و لعنت و دور کردن از اهل دین و صلاح در دنیا، یا از قبیل تمثیل است (ابن عاشور، بی‌تا: ۱۹۵/۱). از دیدگاه ابن عاشور «غضب خدا» به معنای دور کردن و عقوبت و تحقیر است، و اینها آثار خشم در حوادث هستند، زیرا حقیقت خشم انفعالی است که از آن کراهت از کسی که مورد خشم قرار گرفته و دور کردن و ضرر رساندن به او ناشی می‌شود (ابن عاشور، بی‌تا: ۱۶۵/۸).

ارزیابی: غضب به معنای استخفاف و اهانت به مغضوب هر چند در مورد انسانها به دلیل کنار رفتن عقل و غلبه هیجانات منفی قابل تصور است اما به نظر می‌رسد در مورد خداوند حلیم، استخفاف و اهانت لااقل به آن معنایی که در مورد انسان‌ها متصور است پذیرفته نیست. زیرا آنچه انسانها را به توهین و می‌دارد جوشش خون و تلاش برای

کوچک کردن طرف مقابل و ترمیم هویت از دست رفته خود به هر صورتی است و خداوند برتر و بالاتر از آن است که به تخفیف و توهین نیازی داشته باشد. اما استخفاف در مورد خداوند جزای فسق است؛ بلکه از باب تمثیل عمل، عین عمل فاسق است. یعنی خود عمل در عالم خارج استخفاف و اهانت عاملش را سبب شده است.

۶. **ابتلا به ذلت در دنیا و آخرت و مسکنت و جزیه:** طبرسی در ادامه آیه ۶۰ سوره مائده نظری را نقل می‌کند که گویی برگرفته از آیه ۱۱۲ سوره آل عمران است. می‌نویسد: گفته شده غضب خدا آن است که هر کجای زمین باشند آنها را به ذلت و مسکنت و جزیه دچار نماید (طبرسی، ۱۳۶۰: ۳/۳۳۳). علامه طباطبایی در تفسیر آیه: «إِنَّ الَّذِينَ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ سَيَنَالُهُمْ غَضَبٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَذِلَّةٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» می‌نویسد: خداوند سبحان آنچه را که از خشم و ذلت زندگی به آنان خواهد رسید، مبهم گذاشته و آن دو را تبیین نکرده است. پس احتمال دارد اشاره به آنچه پس از آن بر آنان گذشت، از سوزاندن گوساله معبود و پراکنده کردن خاکستر آن در دریا و طرد سامری و کشتن جمعی از آنان باشد، یا اینکه منظور از آن، ذلت و خواری و قتل و نابودی و اسارتی باشد که خداوند بر قومشان وارد کرد، و ممکن است منظور از غضب، عذاب آخرت باشد، پس بدین ترتیب خواری آخرت و ذلت دنیا برای آنان جمع شود (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۸/۲۵۳).

ارزیابی: در این دیدگاه غضب خداوند مانع رسیدن رحمت او به بندگان است. آنکه دست لطف و رحمت حق یاریگرش نباشد در دنیا و آخرت خوار و ذلیل خواهد شد. اما مسکنت و جزیه از آیه ۱۱۲ آل عمران گرفته شده است. در این آیه «بَاءُوا بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ» در کنار «ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ» و «ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الْمَسْكَنَةُ» به عنوان عقوبت برای کافران به آیات الله و قاتلان انبیا به غیر حق در نظر گرفته شده و ظاهر آن است که هر یک جزایی مجزا باشد نه تفسیر و توضیح غضب. مخصوصاً اینکه غضب در میان ذلت و مسکنت قرار گرفته و در زمره آنها به شمار می‌رود نه مترادف آنها.

۷. **غایت و غرض جوشش نفس برای اراده انتقام، انتقام:** از نظر بیضاوی غضب جوشش نفس برای اراده انتقام است، و هرگاه به خداوند متعال نسبت داده شود، غرض و غایت آن اراده می‌شود (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۱/۳۱). فخررازی در فایده چهارم ذیل آیه ۷ سوره حمد می‌نویسد: خشم تغییری است که هنگام جوشش خون قلب برای شهوت انتقام حاصل می‌شود و این در حق خداوند متعال محال است، لیکن در اینجا یک قاعده کلی وجود دارد، و آن این است که همه عوارض نفسانی دارای آغازها و غایت‌هایی هستند و مثال آن خشم است که آغاز آن جوشش خون قلب است، و غایت آن اراده رساندن ضرر به کسی است که مورد خشم قرار گرفته است، پس لفظ خشم در حق خداوند متعال بر آغاز آن که جوشش خون قلب است حمل نمی‌شود، بلکه بر غایت آن که اراده ضرر رساندن است حمل می‌گردد (فخررازی، ۱۴۲۰: ۱/۲۲۳).

ارزیابی: هدف و غرض از جوشش نفس برای اراده انتقام نیز مانند دیدگاه سوم در مورد خشم انسانی صحیح است اما درباره خدا از آنجا که خداوند تغییر نپذیرد و ذات او برتر و بالاتر از آن است که از خارج تأثیر پذیرد نمی‌تواند صحیح باشد. اما نهایت آن که همان اراده انتقام و گرفتن انتقام است در دیدگاه‌های قبل بررسی شد.

۸. **لعنت و ملازمت لعنت، استحقاق طرد و دوری از رحمت:** طبرسی در تفسیر «فَبَاؤُ بِغَضَبٍ» در آیه ۹۰ سوره بقره آن را از لغت جرهم دانسته و به: استوجبوا اللعنة تفسیر نموده است (طبرسی، ۱۳۶۰: ۱/۳۱۴). فخررازی ذیل آیه ۹۰ سوره بقره می‌نویسد: غضب عبارت است از تغییری که در مزاج انسان هنگام جوشش خون قلبش به سبب مشاهده امر ناخوشایند عارض می‌شود و این در حق خداوند متعال محال است، پس غضب الهی حمل می‌شود بر اراده او برای ضرر رساندن به کسی که از او نافرمانی کرده، از جهت لعنت و فرمان به آن (فخررازی، ۱۴۲۰: ۳/۶۰۲). رشید رضا در تفسیر آیه ۶۰ سوره مائده غضب الهی را لازمه لعنت و ملازم با آن تعریف می‌کند و لعنت را عبارت از منتهای مؤاخذه کسی می‌داند که خدا بر او غضب کرده است (رشیدرضا، ۱۴۱۴: ۶/۴۴۸). مراغی نیز غضب و لعنت را لازم و ملزوم یکدیگر دانسته و لعنت را منتهای مؤاخذه شخص مغضوب می‌داند (مراغی، بی‌تا: ۶/۱۴۸). همو در تفسیر آیه «لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ» به طور ضمنی «غضب الله علیهم» را کفاری می‌داند که سزاوار طرد از رحمت خدا شده‌اند (مراغی، بی‌تا: ۲۸/۷۷). قاسمی در تفسیر آیه ۶۰ سوره مائده به صراحت آن را دوری از رحمت خدا و سخط بر آنها به سبب کفرشان تفسیر نموده است (قاسمی، ۱۴۱۸: ۴/۱۸۲).

ارزیابی: این دیدگاه، هماهنگ با دیدگاه‌های چهارم، هشتم و نهم است. فرد مغضوب با عمل خود فاصله‌ای ایجاد نموده میان خود و رحمت واسعه الهی و از این طریق خود را از لطف و رحمت خداوند محروم نموده است. این معنا با معنای لغوی (عدم رضایت) هماهنگ است.

۹. **عدم قبول توبه:** مراغی در تفسیر آیه ۱۵۲ سوره اعراف می‌نویسد: سیصییهم غضب من ربهم بالأی یقبل توبتهم إلا إذا قتلوا أنفسهم (مراغی، بی‌تا: ۷۴/۹)؛ غضبی از پروردگارشان به آنها رسید و توبه آنها را قبول نکرد مگر زمانی که خودشان را بکشند.

ارزیابی: این دیدگاه که تنها در تفسیر مراغی آمده است مختص قوم موسی و اتخاذ عجل و جزایی برای افترای آنهاست و نمی‌تواند معنای عام صفت غضب شمرده شود. این نظر به فرض صحت تنها در مورد قوم موسی و آیات مورد نظر قابل قبول است و قابل تعمیم به سایر آیات نیست.

۱۰. **قهر و حجب:** قاسمی در تفسیر آیه ۶ سوره فتح به تعریفی متفاوت از آنچه تاکنون بیان نموده بود می‌پردازد و می‌نویسد: «و غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ» أي بالقهر والحجب (قاسمی، ۱۴۱۸: ۸/۴۸۶).

ارزیابی: قهر و حجب که در این دیدگاه مطرح شده هماهنگ با دیدگاه‌های دیگر بیانگر دوری و عدم رضایت خداست. قهر به معنای چیره شدن و حجب به معنای بازداشتن و حائل شدن است. ارتکاب منهیات بنده را از آستان کبریای خداوند دور نموده و مانع دریافت لطف و رحمت فراگیر خداوند می‌شود. در این نظر در مورد کیفیت قهر خداوند توضیحی ارائه نشده است.

۱۱. محرومیت از عنایت در دنیا و عذاب جهنم: ابن عاشور منظور از غضب در آیه: «سَيَأْتِيَهُمْ غَضَبٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَذِلَّةٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» را ظهور اثر آن از خواری و منع عنایت می‌داند. از نظر او خود خشم در حال حاضر حاصل است (ابن عاشور، بی‌تا: ۳۰۰/۸). ابن عاشور در تفسیر آیه ۱۶ سوره انفال می‌نویسد: این خشم خداوند بر او در دنیا است که سزاوار مذمت و غیر آن است از آنچه ممکن است او را از عنایت خداوند متعال در دنیا محروم کند، سپس به دنبال آن سرانجام به عذاب جهنم منتهی می‌شود (ابن عاشور، بی‌تا: ۴۷/۹).

ارزیابی: این دیدگاه نیز هماهنگ با دیدگاه‌های پیش گفته گویای دوری بنده از خدا و محرومیت از بارگاه حضرتش می‌باشد. آنگاه که بنده خلاف میل آفریدگارش قدم برمی‌دارد، در هر قدم خود را از رحمت و لطف و مهربانی‌اش دور نموده و به عذاب و سخط و عقوبتش نزدیک می‌نماید.

۱۲. شدت و حدت در کیفر: از دیدگاه جوادی آملی غضب در مورد خدای عزیز همان شدت و حدت است که در کیفر تبهکاران و کافران اعمال می‌گردد؛ زیرا انفعال و تبدل حال که از مراحل پیشین غضب در آدمی است، در خدای سبحان راه ندارد (جوادی آملی، ۱۳۹۸: ۱۱۵۵).

ارزیابی: شدت و حدت بیان شده در این دیدگاه نیز رنگ و بوی غضب انسانی دارد. آدمیزاد چون به خشم برافروزد مغضوب را در نهایت شدت مورد کیفر قرار می‌دهد و چه بسا کیفری بیش از آنچه انجام داده در حق او روا می‌دارد. اما در مورد خدای عدالت‌گستر شدت و حدت به سبب غضب معقول به نظر نمی‌رسد مگر آنکه این دیدگاه را نیز مانند همان لعنت و دوری از رحمت تفسیر نموده و همین دوری از رحمت را عامل تشدید و حدت کیفر بدانیم؛ یعنی کیفری منهای رحمت گسترده الهی. چون با وجود رحمت تخفیف در عذاب شامل حال بنده می‌شود و بدون آن چنانکه بایسته است عذاب می‌بیند. و البته دوری از لطف و رحمت خداوند نیز خود عذابی مضاعف است.

۱۳. قهر فعلی خدا: جوادی آملی در تفسیر آیه ۱۱۲ آل عمران می‌نویسد: جمله باء و بغضب من الله به عذاب آخرتشان نظر دارد. معلوم است که غضب خدا حالت نفسانی نیست بلکه همان قهر فعلی خداست (جوادی آملی، ۱۳۹۸: ۱۱۵۵).

ارزیابی: در این دیدگاه قهر فعلی خدا به معنای ظهور و بروز جزایی مناسب با گناه بندگان تجلی می‌نماید و در راستای حکمت و عدالت خداوند، جهان هستی را به سوی رشد و کمال سوق می‌دهد. در واقع قهر فعلی خدا نمود بیرونی شکل فعال و قاطع برخورد خدا با گناه مخلوق است که می‌تواند به اشکال مختلف متناسب با میزان جرم ظهور و بروز یابد.

خلاصه دیدگاه مفسران در جدول (۲) آمده است.

جدول (۲): دیدگاه‌های مفسران

ردیف	مفسر	دیدگاه تفسیری
۱	طبری	احلال عقوبت بر فرد مغضوب، نکوهش و سرزنش افراد و اعمالشان و بیان نارضایتی لفظی، خشمی همانند خشم بندگان (با کیفیتی متفاوت)، عقوبت

۲	شیخ طوسی	سخط، اراده عقاب مستحق و لعن و برائت از آنها، فرود آمدن و بلا و نقت، استخفاف مغضوب
۳	طبرسی	اراده انزال عقوبت، عقاب، لعنت، اراده عذاب و سخت، اراده عقوبت و استخفاف، ذلت و مسکنت و جزیه
۴	زمخشری	اراده انتقام و نزول عقوبت
۵	بیضاوی	نهایت جوشش نفس برای اراده انتقام، اراده انتقام، لزوم عذاب
۶	فخررازی	اراده اضرار، اراده انتقام، لعنت، عذاب
۷	قرطبی	عقوبت، عقوبت و نقت
۸	رشیدرضا	عقوبت و انتقام، ملازمت لعنت
۹	مراغی	سخط، انتقام، ملازمت لعنت، عدم قبول توبه یهود مگر با قتل نفس، عقوبت، استحقاق طرد از رحمت
۱۰	قاسمی	دوری از رحمت، سخت، قهر و حجب
۱۱	سید قطب	—
۱۲	طباطبایی	ذلت دنیا و آخرت، اراده اصاب مکره
۱۳	ابن عاشور	عقاب و اهانت و لعنت، انتقام، دوری و عقوبت و تحقیر، خواری و منع عنایت، عقاب در دنیا و آخرت، محرومیت از عنایت در دنیا و عذاب جهنم
۱۴	فضل الله	عقوبت، سخت
۱۵	جوادی آملی	شدت و حدت در کفر، قهر فعلی خدا

با جمع و ترکیب دیدگاه‌ها حول معنای غضب می‌توان معانی ۱۳ گانه در جدول (۳) را به عنوان خلاصه دیدگاه مفسران در معنای «غضب» در نظر گرفت.

جدول (۳): تفکیک آراء تفسیری

ردیف	معنای غضب	مفسران
۱	اراده انزال عقوبت و عذاب و اضرار و اصاب مکره	طوسی، طبرسی، زمخشری، فخررازی، رشید رضا
۲	انزال بلا، عقوبت، نقت، سخت، عذاب و اضرار و اصاب مکره	طبری، طوسی، طبرسی، زمخشری، قرطبی، مراغی، ابن عاشور، فضل الله، بیضاوی، قاسمی، فخررازی، طباطبایی
۳	خشمی همانند خشم بندگان با کیفیتی متفاوت	طبری
۴	نکوهش و سرزنش افراد و اعمالشان و بیان نارضایتی لفظی	طبری
۵	استخفاف، اهانت به مغضوب	شیخ طوسی، طبرسی، ابن عاشور
۶	ابتلا به ذلت در دنیا و آخرت و مسکنت و جزیه	طباطبایی، طبرسی
۷	غایت و غرض جوشش نفس برای اراده انتقام، انتقام	زمخشری، بیضاوی، فخررازی
۸	لعنت و ملازمت لعنت، استحقاق طرد و دوری از رحمت	فخررازی، مراغی، ابن عاشور، قاسمی
۹	عدم قبول توبه	مراغی
۱۰	قهر و حجب	قاسمی
۱۱	محرومیت از عنایت در دنیا و عذاب جهنم	ابن عاشور

۱۲	شدت و حدت در کیفر	جoadی آملی
۱۳	قهر فعلی خدا	جoadی آملی

چنانکه ملاحظه می‌شود اراده و انزال بلا، عقوبت، نعمت، سخط، عذاب و انتقام پرتطرفدارترین دیدگاه در معنای غضب است که اکثر مفسران در تفسیر آیات مختلف آن را ذکر نموده‌اند. پس از آن لعنت و ملازمت لعنت و استحقاق طرد و دوری از رحمت دومین معنای پرتطرفدار در میان تفاسیر است. استخفاف و اهانت به مغضوب نیز دیدگاهی است که در میان مفسران از آمار بیشتری برخوردار است. سایر دیدگاه‌ها اغلب به شکل انفرادی توسط مفسران معنا شده است. با این حال به نظر می‌رسد دیدگاه‌های دیگر نیز در اهمیت و هماهنگی با سیاق آیات و برداشت کلی از آیه دارای اهمیت ویژه هستند. قابل ذکر است که برخی دیدگاه‌ها در جدول ۲ در نگاه اول مترادف به نظر می‌رسند اما با نگاهی دقیق و ریزبینانه و بررسی جزئیات هر یک دارای نکته‌ای هستند که باعث تمایز آنها و تفکیک آنها از دیدگاه‌های دیگر شده است.

دیدگاه برگزیده و تطبیق بر آیات

بررسی و ارزیابی دیدگاه‌ها نشان می‌دهد که مفسران در تفسیر آیات غضب بیش از هر چیز به فضای آیه و سیاق آن توجه نموده و غضب خداوند را متناسب با آن تفسیر نموده‌اند که هر یک در جای خود صحیح و قابل قبول است. اما دیدگاهی جامع که بتواند همه نظرات را پوشش دهد و در تفسیر همه آیات قابل قبول باشد در هیچیک از تفاسیر مورد بحث قرار نگرفته است. جoadی آملی در جایی به قهر فعلی خدا اشاره نموده اما به یک جمله اکتفا نموده و بدون توضیح و بحث و یا ارزیابی سایر دیدگاه‌ها و تطبیق بر آیات از آن گذر نموده است.

با ارزیابی و جمع‌بندی دیدگاه‌ها به دست می‌آید که: قهر فعلی خداوند دربرگیرنده همه دیدگاه‌های دیگر در معنای «صفت غضب» در مورد خداوند است و می‌تواند معنای جامعی برای آن باشد. اما منظور از قهر فعلی خداوند چیست؟ برای فهم این مطلب لازم است تفاوت میان صفت فعل و صفت ذات بیان شود تا از رهگذر آن قهر فعلی خدا قابل درک شود. کلینی در فرق بین صفت فعل و ذات می‌نویسد: «ان کل شیئین و صفت الله بهما و کانا جمیعا فی الوجود فذلک صفة فعل». هر دو صفتی که بتوانی خدا را به آنها توصیف کنی و هر دو وجود داشته باشد «صفت فعل» خدایند. توضیح این جمله مختصر این است که در جهان هستی ثابت می‌شود چیزی را که او می‌خواهد و چیزی را که نمی‌خواهد (آسانی کار بندگان را می‌خواهد و دشواری آن را نمی‌خواهد) و چیزی که خشنودش کند و چیزی که به خشمش آرد و چیزی که دوست دارد و چیزی که مبغوض دارد. در صورتی که در برابر هر «صفت ذات» ضد آن صفت از خدا نفی می‌شود. گفته می‌شود: حی، عالم، سمیع، بصیر، عزیز، حکیم، غنی، ملک، حلیم، عدل، کریم (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱/۱۵۱).

با این توصیف قهر فعلی خداوند صفتی است مقابل رضایت و لطف و رحمت گسترده او و افعالی را شامل می‌شود که خداوند در مقابل جرم مجرمان برای تأدیب و اصلاح و ممانعت از آن اعمال در عالم خارج انجام می‌دهد و این نتیجه عمل و بلکه نمود خارجی و واقعی عمل است که شامل حال مجرم می‌شود. این بیان پشتوانه روایی نیز دارد، از جمله احادیثی که در کافی آمده است:

یکی از شیعیان در محضر امام باقر (ع) شرفیاب بود که عمرو بن عبید وارد شد و گفت: معنی غضب چیست؟ فرمود آن کیفر است. ای عمرو کسی که گمان کند خدا از حالی به حال دیگر در آید او را به صفت مخلوق توصیف نموده است، خدای تعالی را چیزی از جا نکند تا تغییرش دهد (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۱۵۰).

در روایت دیگر هشام بن حکم گوید: از جمله پرسش زندیق از امام صادق (ع) این بود که: خدا خشنودی و خشم دارد؟ حضرت فرمود: آری ولی خشم و خشنودی او طبق آنچه در مخلوقین پیدا می شود نیست، زیرا که خشنودی حالتی است که به انسان وارد می شود و او را از حالی به حالی می گرداند چون که مخلوق تو خالی ساخته شده و به هم آمیخته است. هر چیز در او راه دخولی دارد و خالق ما را راه دخولی برای اشیاء نیست، زیرا او یکتاست، ذاتش یگانه و صفتش یگانه است، پس خرسندی او، پاداش او و خشمش، کیفرش می باشد بدون اینکه چیزی در او تأثیر کند و او را برانگیزاند و از حالی به حالی گرداند، زیرا این تغییرات از صفات مخلوقین ناتوان نیازمند است (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۱۵۰).

در حدیث دیگری امام صادق (ع) در تفسیر آیه فَلَمَّا أَسْفَوْنا اَنْتَقَمْنَا مِنْهُمْ (زخرف، ۵۵) مستقیم به توضیح صفت غضب پرداخته و می فرماید: خداوند عزوجل همانند ما دچار اندوه نمی شود... و این گونه نیست که این حالت ها (مانند اندوه) به خداوند برسد، چنان که به مخلوقاتش می رسد... همین طور رضایت، خشم و دیگر صفاتی که شبیه این ها هستند. اگر اندوه و بی تابی به خداوند راه می داشت روا بود که کسی بگوید: آفریننده روزی نابود می شود! چرا که اگر خشم و بی تابی در ذات او وارد شود، تغییر در او راه یافته، و اگر تغییر در او راه یابد، نابودی نیز برایش محتمل خواهد شد. در این صورت، دیگر خالق از مخلوق، و توانمند از ناتوان، و آفریننده از آفریده شده بازشناخته نخواهد شد! خداوند منزّه و برتر است از چنین سخنی، برتری ای بزرگ! بلکه او آفریننده اشیاء است نه از روی نیاز، و چون نیاز ندارد، حد و چگونگی در ذات او راه ندارد (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۱۴۵).

با این توضیحات غضب خداوند نه حالتی خشم آلود و تغییرپذیر در ذات خداوند بلکه قهری است که در فعل او نمایان می شود. آن هم نه برای تسلی خاطر و فرونشاندن خشم خود، بلکه تدبیری حکیمانه است که در هر مورد متناسب با عمل فرد در عالم خارج ظهور و بروز می یابد. گاهی با دوری از رحمت و لطف بیکران الهی و گاهی با نزول عذاب! و در میان این دو طیف انواع دیدگاه های عرضه شده در ذیل آیات مربوطه.

نتیجه گیری

با توجه به مباحث مطرح شده در این پژوهش، نتایج زیر به دست می آید:

۱. صفت «غضب» در مورد خداوند، معنایی متعالی و به دور از ویژگی های انسانی دارد؛ ویژگی هایی که برخاسته از جسمانیت، انفعال و فوران هیجان اند. غضب الهی واکنشی حکیمانه، مطابق با هدف خلقت، برای رشد و تکامل انسان و در راستای نظام پاداش و کیفر الهی است.
۲. از دیدگاه اغلب مفسران، «غضب» معنایی متناسب با عذاب، سخط، نقیمت، بلا، عقوبت و دوری از رحمت دارد. همه این معانی مرتبط با صفات فعل هستند و بیانگر اراده الهی برای مقابله با گناهان بزرگی چون کفر، نفاق، طغیان، قتل عمد و مانند آن اند. هر یک از این معانی در ساختار آیه مورد نظر صحیح و قابل قبول است، اما هیچ یک به تنهایی کامل و قابل انطباق بر همه آیات نیست.

۳. غضب خدا همان «قهر فعلی خداوند» است. این دیدگاه، جامع سایر دیدگاه‌ها و قابل تطبیق بر همه آیات است. سایر دیدگاه‌ها و نیز واژگان همنشین «غضب» در قرآن، همگی نمودهایی از قهر فعلی خداوند هستند که متناسب با حال افراد و گناهی که مرتکب شده‌اند، شامل آنان می‌شود. برخی از این نمودها در دنیا است و برخی در آخرت؛ برخی جسم و جان آنان را دربرمی‌گیرد و برخی روح و روانشان را. گاه با طرد و دوری از رحمت و عنایت الهی تحقق می‌یابد و گاه چنان شدید و عظیم است که به انزال عذاب، بلا و نقت می‌انجامد. این دیدگاه همچنین با معنای نقیض «غضب»، که طوسی و جبل آن را «نقیض رضا» تفسیر کرده‌اند، هماهنگ است. اعمال و کردار خلاف رضای خداوند، خشم او را برمی‌انگیزد و جزایی متناسب با عمل بندگان بر آنان فرود می‌آورد. با این معنا، «غضب» در پیوند با سایر صفات خداوند، در راستای رشد و تعالی بشر معنا می‌شود و از مشابهت با صفات انسانی منزّه است و بر همه آیات قرآن قابل تعمیم و انطباق خواهد بود. بنابراین، غضب در مورد خداوند نه به معنای فوران هیجان و اراده انتقام، بلکه راهبردی سنجیده و حکیمانه برای مقابله با فساد، گناه و تباهی و زمینه‌ساز رشد و تعالی بشر است که با قهر فعلی خداوند و جزایی متناسب با عمل در عالم خارج تجلی می‌یابد.

۴. بررسی دقیق آیات قرآن کریم نشان می‌دهد که غضب خداوند هرگز ابتدایی نیست، بلکه همواره جزایی و کیفری است و پس از وقوع اعمال قبیح از سوی انسان‌ها ظهور می‌کند. همچنین، غضب الهی در برابر گناهان صرفاً فردی تحقق نمی‌یابد، بلکه در برابر اعمال قبیحی ظهور می‌کند که تأثیر اجتماعی دارند.

ملاحظات اخلاقی:

حامی مالی: این پژوهش هیچ کمک مالی از سازمان‌های تأمین مالی دریافت نکرده است.

تعارض منافع: طبق اظهار نویسندگان، این مقاله تعارض منافع ندارد.

برگرفته از پایان نامه / رساله: این مقاله برگرفته از رساله/پایان نامه نمی‌باشد.

منابع

قرآن کریم.

- ابن عاشور، محمد بن طاهر. (بی تا). تفسیر التحرير و التنوير. بيروت: مؤسسه التاريخ.
- ابن فارس، احمد. (۱۳۹۹). معجم مقاييس اللغة. محقق: عبدالسلام محمد هارون. دارالفکر.
- بيضاوی، عبدالله بن عمر. (۱۴۱۸). أنوار التنزيل وأسرار التأويل. بيروت: دار إحياء التراث العربي.
- جبل، محمد حسن. (۲۰۱۰). المعجم الاشتقاقي المؤصل لألفاظ القرآن الكريم. قاهره: مكتبة الآداب.
- جوادى آملی، عبدالله. (۱۳۹۸). تفسیر تسنیم. قم: نشر اسراء.
- جوادى آملی، عبدالله. (۱۳۸۶). سرچشمه اندیشه. قم: مرکز نشر اسراء.
- جوادى آملی، عبدالله. (۱۳۹۸). فلسفه الهی از منظر امام رضا(ع). قم: اسراء.
- جوادى آملی، عبدالله. (۱۳۷۸). «مرزهای ذات، صفات و افعال خداوند»، پاسدار اسلام، شماره ۲۱۷.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۰۴). المفردات فی غریب القرآن. دفتر نشر کتاب.
- رضا، محمد رشید. (۱۴۱۴). تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المنار. بيروت: دارالمعرفة.
- زمخشري، محمود. (۱۴۰۷). الکشاف عن حقائق غوامض التنزيل. بيروت: دارالکتاب العربی.
- سید قطب، سید بن قطب بن ابراهیم. (۱۴۱۲). فی ظلال القرآن. بيروت: دارالشروق.
- طباطبای، سید محمد حسین. (۱۳۹۰). المیزان فی تفسیر القرآن. بيروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۶۰). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات فراهانی.
- طبری، محمد بن جریر. (۱۴۱۲). جامع البیان فی تفسیر القرآن. بيروت: دارالمعرفة.
- طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن. بيروت: دار إحياء التراث العربي.
- عسکری، ابوهلال. (۱۴۱۲). معجم الفروق اللغوية بترتيب و زیادة. قم: جامعه مدرسين حوزه علمیه.
- فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰). مفاتيح الغیب. بيروت: دار إحياء التراث العربي.
- فضل الله، محمد حسین. (۱۴۱۹). من وحی القرآن. بيروت: دارالملاک.
- قاسمی، جمال الدین. (۱۴۱۸). تفسیر القاسمی المسمى محاسن التأويل. بيروت: دارالکتب العلمیة، منشورات بیضون.
- قرطبی، محمد بن احمد. (۱۳۶۴). الجامع لأحكام القرآن. تهران: ناصر خسرو.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷). الکافی. تهران: دارالکتب الإسلامية.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۴). مرآة العقول. بی جا: دارالکتب الإسلامية.
- مراغی، احمد بن مصطفی. (بی تا). تفسیر المراغی. بيروت: دار إحياء التراث العربي.
- مصطفوی، سید حسن. (۱۳۶۸). التحقیق فی کلمات القرآن الكريم. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- نریمانی، زهره؛ چهری، مجید؛ اقبالی، مسعود. (۱۴۰۰). «بازشناسی معنایی واژگان «غیظ»، «غضب» و «سخط» در قرآن کریم با رویکرد تفسیری»، صص ۲۳۹-۲۱۹.